



تیتراژ امروز

پیام رهبر انقلاب در پی درگذشت هنرمند انقلابی فرج‌الله سلحشور

مرزها را درنور دید

■ پیکر مرحوم فرج‌الله سلحشور صبح امروز تشییع و در جوار امامزاده سیدجعفر و حمیده خاتون به خاک سپرده می‌شود



همپای جلودار

■ اصغر آبخضر*

تازه رنگ و بوی جلسات عزاداری مسجد جوادالائمه(ع) رونق می‌گرفت که حضور آقا فرج شمع مخفل بچه‌ها شد و برای هم‌نسل و هم‌سن و سال‌های من که سخت مجذوب رفاقت بچه‌های محل و مسجد بودیم، حضور مخلصانه و بی‌ریای ایشان بسیار گرم و صمیمی جلوه می‌کرد. آقا فرج زودتر از آنکه فکرش را کنی در دل بچه‌های محل جا باز کرد. بخصوص در حوزه هنر، شده بود پناهگاه امنی برای بچه‌ها و البته بعدها در حوزه هنری هم بدل به یک سایه مهربان شد برای بچه‌ها، مهربان و البته انقلابی. در مسجد جوادالائمه اما زودتر از همه ما، شهید اکبر قدیانی و مرحوم امیرحسین فردی رفاقت خود را با آقا فرج گره زدند. حس و هنر مداحی اکبر قدیانی البته عامل مضاعفی برای تشدید این رفاقت شد. مراسم عزاداری و نوحه‌های آقا فرج سلحشور آنقدر دلنشین بود که خیلی زود بر دل و جان نشست.

اندک‌اندک آن روی سکه آقا فرج که شناخت و آشنایی او با هنر نمایش بود، جان گرفت و تشکیل گروه تئاتر و اجرای نمایش «حر» خیلی زود در غرب تهران گل کرد. هر چند جلسات قرآن، و استادی آقا فرج با آن صوت زیبا و دلنشین، مخفل گرم بچه‌های محل شد اما «همایش حر» چیز دیگری بود. می‌بینم و می‌شنوم که هنوز هم درباره «حر» این سو و آن سو حرف می‌زنند و یاد آقا فرج را گرمی می‌دارند. نمایشی که آن روزها خیلی زود دهان به دهان، میان تمام جوان‌های انقلابی می‌گشت و پای ایشان را با یک مسجد جوادالائمه باز می‌کرد یا به مسجد حضرت علی اکبر در میدان هاشمی، محله قدیمی آقا فرج.

نمایشنامه حر با آن اجرای انقلابی، حکایتی طولانی و خاص دارد که باید از زبان بهزاد بهزادپور دوست و یار قدیمی آقا فرج، جزئیات آن را شنید. همین قدر می‌دانم که «حر» دنیایی خاطره با خود دارد. «حر» نمایشی بود با بازی جمعی از «حرار» که از همه آژاده‌ترشان خود آقا فرج بود. شروع نهضت و پیروزی انقلاب اسلامی با آن شکوه بی‌بدیل، موجب تشکیل هسته اولیه جمع هنرمندان مسلمان در «حوزه» اندیشه و هنر اسلامی» شد. کافی بود تا امثال آقا فرج و مرحوم امیرحسین فردی و مرحوم رسول ملاقلی‌پور و دیگر بچه‌های حوزه هنر آن روز، این جمع هنرمندان اسلامی و انقلابی را شکل دهند تا به سرعت، حوزه هنری به عنوان اولین کانون هنرمندان مسلمان و انقلابی شکل بگیرد. حوزه هنری هنوز هم دارن نان آن روزهایش را می‌خورد. آن روزهایی که امثال آقا فرج، با دستی خالی اما دلی سرشار از ایمان، برای هنر متعهد و انقلابی، آستین همت بالا زدند.

آقا فرج در شاخه‌های مختلف هنری حقیقتاً صاحب سبک و دارای حرف بود و همین خصوصیات هنری کلفی بود تا به عنوان یکی از اصلی‌ترین ستون‌های هنرمندان مسلمان حوزه هنری شناخته شود.

نتایج شمارش آرا در سراسر کشور از پیروزی ۶۰ درصدی اصولگرایان در انتخابات مجلس دهم خبر می‌دهد

رأی ایران به اصولگرایان



کتابخانه حضرت زین العابدین در مشهد

از باقر نمازی چه می‌دانید؟

جعبه سیاه ناهنجاری مدنی در دام!

از زبان نمازی به نهادهایی همچون «سبیج»، «جهاد سازندگی»، «موقوفه‌ها»، «خبریه‌ها»، «قرض الحسنه‌ها»، «مساجد» و «خیرین محلی بازار» اشاره می‌شود.

در ادامه مشاهده می‌کنیم که نمازی با تسلط بر علم «شبکه‌سازی اجتماعی»، چگونه با حمایت دولتمردان نفوذی همراه با خود، ساختارسازی موازی با خصوصیت پایبندی به ارزش‌های غربی همچون «سکولاریسم» و «حقوق شهروندی غربی» را پایه‌گذاری می‌کند.

جهاد سازندگی منحل می‌شود، موقوفه‌ها، هیات‌های مذهبی و قرض‌الحسنه‌ها و خیریه‌های محلی از شمول استاندارد «مسئولیت اجتماعی شرکتی» خارج شده و به این ترتیب عایدی ثابت جامعه ایرانی از «حرکت اجتماعی خیرین بازار» که با همت و مجاهدت شهید بهبهشتی، منظم و ساختارمند بنای تشکیلات جهانی «سازمان‌های ساختار «همپیمان غذا» که با ریاست باقر نمازی، با هدف شبکه ساختن مجموعه سازمان‌های غیردولتی کشور اعم از خیریه‌ها و تشکل‌های محلی شکل گرفته بود، با بودجه شرکت نفت و گاز شل و دفتر نهاد ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۷۶، زیرساخت حمایتی ارتباطی ملی مردم و ارزش‌های نظام را تغییر داد.

■ اردوهای جهادی سرمایه‌داری!
دیگر جهادگران انقلابی در اردکان و نوده برای مردم خانه بهداشت و مرکز کارآفرینی برپا نمی‌کردند بلکه این عوامل انگلیسی- آمریکایی بودند که عیناً مشابه وظیفه مامیون‌نهای مسیحی و یهودی در آفریقا و آسیا یا «کالاهای بی‌سازمان ملل» در آمریکای جنوبی، دوره توانمندسازی جوامع را با هدف حذف اصطکاک محلی با ارزش‌ها و اهداف جهانی جمعیت و «بنیاد فردریش ابرت» آلمان و «بنیاد وودرو ویلسون» آمریکا و بانک جهانی و مجموعه بزرگی از شرکت‌های نفتی و...
«هیچ کشوری»، تأکید می‌کنیم، «هیچ حاکمیت مستقلی» اجازه شبکه‌سازی در روستاها و شهرها و دهستان‌های خود را به دشمنان قسم‌خورده‌اش نمی‌دهد. مردم ایران حقیقتاً از پایگاه آرمانی بلندی برخوردار بوده‌اند که تاکنون در فتنه‌سازی‌های مکرر امثال باقر نمازی و اربابان غربی‌اش همچون گری سیک، برژینسکی، میلر،

البرایت و کلینتون، رای به دوام جمهوری اسلامی ایران و استقلال و آزادی کشور داده‌اند.
فراموش نکنیم برخی کشورهای منطقه تنها با ۱۰ میلیون دلار هزینه‌کرد سازمان‌های مذکور به کل دچار فروپاشی بنیادین شدند و پس از سال‌ها هنوز سر از فتنه انگیزی‌های خارجی بلند نکرده‌اند.
■ باقی و ساقی!
سهراب رزاقی، همکار دولتی باقر نمازی و گروه بزرگی از فتنه‌گران پس از وقایع ۷۸ و ۸۸ ضدنظام، از کشور گریختند اما مدیران عالی‌رتبه آنها که در دولت کارگزاران و اصلاحات برای جاسوسان تابلودار نایاک فرش قرمز پهن کردند و مدیریت جوامع و زیرساخت اجتماعی کشور را به ژنرال‌های انگلیسی و آمریکایی واگذار کردند بعضاً هنوز در عرصه سیاست فعالند. اکنون وقت یافتن پاسخ سوالات بنیادین است. نمایندگان نایاک (تشکل دولت‌ساخته ایرانی- آمریکایی)، چگونه با بودجه بنیاد بردارن راکفلر برای آینده سیاست خارجی ایران تصمیم‌سازی می‌کنند؟ چه کسی به خاتم معاون اجازه داد مسیر شبکه‌سازی در حوزه زنان را عیناً مشابه دوره اصلاحات با همکاری دوستان جهانی باقر نمازی، همچون «نزار ذکا» ادامه دهد؟ چه کسی به «ن.ج» میدان داد وظایف بر زمین مانده باقر نمازی، دوست قدیمی اجلاس تونس و مصر خود در حوزه «شبکه‌سازی سازمان‌های غیردولتی» را با همراهی «علیرضا امیدوار»، مدیر شرکت نفت و گاز شل در ایران و عامل تربیت یافته در تشکیلات باقر نمازی در آتیه بهار، در پروژه «شتاب‌دهنده‌های استارت‌آپی آمریکایی» عهده‌دار شود؟ کدام جریان اهداف کارگاه‌های مدیریت اقوام و اقلیت‌های دینی و زنان بر گزار شده در دوره فالوده‌خوری باقر نمازی و مدیر آن مرکز استراتژیک، با حضور دوستان منطقه‌ای باند گری سیک از جمله اوکراینی‌ها و ترک‌ها را پیگیری و اجرا می‌کند؟ به جای داماد خانواده نمازی، چه کسانی در «چتم هاوس» و «اسیا سوسایتی» پا می‌کوبند و به اربابان انگلیسی گزارش تحولات سیاست خارجی کشور در مسیر آشتی با صهیونیست‌ها را ارائه می‌کنند؟ کدام مدیر شبکه سازمان‌های زیست‌محیطی غیردولتی را پس از فرار دوست ماسون باقر نمازی از ایران به «مراه‌طهاز» صهیونیست و انجمن سلطنتی انگلیس می‌دهد؟
فراموش نکنیم شبکه نفوذ به‌رغم دستگیری سرشاخه‌ها به کار خود ادامه می‌دهد. با صدای انقلاب همراه باشید.

یادداشت امروز

برای اولین بار!

■ کمیل احمدی

۱- در تاریخ انتخابات جمهوری اسلامی، ۷ اسفند ایرانیان شاهد تجربه جدید و متفاوتی از گذشته بودند. برای نخستین‌بار در انتخابات مجلس شورای اسلامی مردم نامزدهایی را برای مجلس برگزیدند که در مجموع به جریان سیاسی منتقد دولت (اصولگرایان) تعلق دارند. اگر تاریخ گذشته را بنگریم درمی‌یابیم که وقتی دولت چپ دهه ۶۰ روی کار آمد مردم در انتخابات بعد مجالس سوم را با ترکیبی برگزیدند که همسو با دولت وقت بود. این اتفاق برای دولت‌های بعد نیز رخ داد به طوری که مجالس چهارم و پنجم با دولت پنجم و ششم همسو بود؛ مجلس ششم با دولت هفتم و مجلس هشتم با دولت نهم. اما در انتخابات ۷ اسفند براساس اخبار رسمی و موقت، اکثریتی که مردم برای مجلس برگزیدند به جریان منتقد دولت تعلق دارد. این تجربه جدید بسیار مهم و قابل تأمل است و بی‌تردید نقش مهمی در تحولات آینده سیاسی کشور برجا خواهد گذاشت. به‌طوری که این جدید بودن می‌تواند در انتخابات بعدی به نحو دیگری رخ دهد! همان‌طور که وقتی مجالس هفتم و نهم متفاوت از دولت وقت شکل گرفت نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری بعد نیز گونه دیگری رقم خورد.

۲- نومحافظه‌کاران - که انتلافی از الیگارشی و اصلاح‌طلبان است - در یک سال گذشته بسیار به نتایج سیاسی و انتخاباتی «هرجام» امیدوار بودند و گمان می‌کردند با برنامه‌ریزی می‌توانند آنچه را که خود برد سیاسی تلقی می‌کنند محلی برای جلب افکار عمومی و جذب جامعه به سوی خود قرار دهند. لذا با این تصور با تمام نیرو وارد عرصه انتخابات شدند تا مجلسی متشکل از همپیمانان الیگارشی و نومحافظه‌کاری را تشکیل دهند. آنها از تمام نمادها و نیروهای خود بهره بردند. از رسانه‌های خرد جدید مانند تلگرام و اینستاگرام گرفته تا رسانه‌های بین‌المللی! همه را به استخدام گرفتند و معتقد بودند با این ائتلاف الیگارشیک، محال است شکست بخورند! اما نتیجه انتخابات سراسر کشور گونه دیگری رقم خورد. به گونه‌ای که اکنون به جای مجلس ششم به چیزی شبیه مجلس پنجم می‌اندیشند. یعنی جریان‌های که آمده بود به پشتوانه گفتمان ساختار شکن و با کمک رسانه‌های سلطه جهانی مجلس ششم سازاد امروز به مجلس پنجم هم قانع است! روز شنبه پس از انتخابات این حس شکست به اندازهای بود که نومحافظه‌کاران حتی نمی‌توانستند آن را پنهان و آثار آن را از چهره پاک کنند.

۳- واقعیت این است که نومحافظه‌کاران همانند جریان دوم خرداد به جای آنکه در پی شناخت دقیق و محقق ساختن مطالبات مردم برآیند، دست به مطالبه‌سازی کاذب زدند. آنها تلاش کردند خواسته‌های خود را به عنوان خواسته‌های مردمی به آنان تحمیل کنند اما به هر حال هر خواسته‌ای یک حس است که از واقعیت نشأت می‌گیرد. آن را که نمی‌توان تغییر داد. زمانی که مطالبات اقتصادی جامعه دربراه برخورد با فساد اقتصادی، مبارزه با تورم، چاره‌اندیشی برای بیکاری و بسیاری از مسائل عینی روی زمین مانده است و نومحافظه‌کاران به آن توجهی نداشته‌اند چگونه می‌توانند انتظار داشته باشند مردم به آنان اعتماد کنند؟ درست است که در جامعه طبقات مختلف با مطالبات مختلف زندگی می‌کنند و طبقه لاغر اشراف و مرفه نیز در میان آنها هست که مطالبات دیگری دارند اما چنانکه این انتخابات نیز نشان داد مساله اکثریت جامعه چیزی است که در گفتمان نومحافظه‌کاران نیست. نومحافظه‌کاری ایدئولوژی و گفتمان اشرافیت و الیگارشی است که تلاش می‌کند با اجبر کردن سلبریتی‌ها آنچه‌های مشهوراً و روشنفکران خریداری شده منافع الیگارشی را به عنوان منافع توده جا بزندا مطلبی که در یادداشت دیگری باید به آن پرداخت و در اینجا به آن اشاره می‌شود این است که جهان کالایی‌شده و پول‌زده امروز به قدری به ابتدال رسیده است که سلبریتی‌ها و روشنفکران خریداری‌شده توسط الیگارشی می‌خواهند برای سرنوشت توده تعیین تکلیف کنند! درحالی که نسل‌های پیشین آنان همسو با مردم و مستقل از الیگارشی بودند. به هر طریق مطالباتی که نومحافظه‌کاران تلاش کردند از طریق این وابستگان به خود به جامعه تحمیل کنند با هوشیاری اکثریت پس زده شد. زیرا شناخت نیازهای واقعی از نیازهای کاذب دشوار نیست. به هر حال همه اینها موجب می‌شود آنها‌ها آینده‌ورن سیاسی خود را در کشور بشناسند و اسیر فضای مجازی نشوند. در این فضای مجازی و خبری، از جریان روشنفکر تا رسانه‌های وهابی طرفدار داعش و بهائیت نیز از آنان حمایت می‌کردند.